



یادداشت

امیدی برای یک تجربه

محسن فلاحت‌داری
پژوهشگر تعلیم و تربیت

پرواضح است که نتیجه تمامی سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و هزینه‌کردهای گوناگون در آموزش‌وپرورش به وسیله نقش تعلیم‌دهنده یعنی معلم به منصه ظهور می‌رسد که این مسئله، معلم را به مهم‌ترین و اثرگذارترین عنصر فرایند آموزش بدل کرده است و گرافه نخواهد بود اگر این ادعا را مطرح کنیم که وجود کوچک‌ترین مشکلی که مسبب بروز خلل در مسیر اقدامات معلمان شود، در نهایت فرایند آموزش و دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. یکی از بخش‌هایی که می‌توان در آن، اقداماتی در جهت پیشگیری از بروز مشکلات به انجام رسانید، مراکز تربیت معلم است، ازاین‌رو می‌توان ادعا کرد که دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان تنها مرجع و منبع تربیت معلم در کشور، نهادی اثرگذار و بسیار پراهمیت است که باید ساختار و آرایش درونی و فرهنگی و آموزشی آن در مرکز توجهات برای تغییرات مفید قرار گیرد.

سال‌هاست که دانشجوی معلمان دانشگاه فرهنگیان تحت عنوان واحدهای درسی کارورزی به آموختن علمی و بالاجض عملی مهارت‌های گوناگون این شغل حساس و اثرگذار می‌پردازند؛ واحد درسی که توسط دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت به‌عنوان مهم‌ترین بخش و شاه‌بیت تربیت معلم قلمداد می‌شود. با نگاهی اجمالی به برنامه کارورزی در دانشگاه فرهنگیان می‌توان به این نکته پی برد که تجربه و انتقال آن به دانشجوی معلمان مسئله‌ای است که کمتر در معرض توجه قرار گرفته است، حال آنکه می‌توان آن را یکی از ستون‌های مهم در درس کارورزی دانست. گرچه در این برنامه از تجربه معلمان موظف تدریس و استادان کارورزی استفاده می‌شود اما تجربه زیسته تأییدی بر این مدعاست که معلمان موظف کمتر علاقه و البته زمانی برای انتقال تجربه و اساتید کارورزی کمتر تجربه مفیدی برای کاربست در عملی‌کردن در اختیار دارند که این مسئله موجب خواهد شد انتقال تجربه به دانشجوی معلمان و استفاده از آن در فرایند تدریس دچار خلل جدی شود. باید به این نکته اشاره کرد که نومعملانی که به‌عنوان فارغ‌التحصیل دانشگاه فرهنگیان وارد نظام آموزشی شده‌اند، با انرژی مضاعف و رویکردی نو و پیشرو در جهت حضور هرچه‌به‌تر در مدارس تلاش می‌کنند که این واقعیتی انکارناپذیر است اما عدم آشنایی با محتوای کتب



درسی، عدم آشنایی با نحوه تدریس بخش‌های مختلف کتاب، عدم انتقال کافی تجربه در زمینه کلاس‌داری و برقراری ارتباط و موارد متعددی از این دست نمونه‌هایی هستند که می‌توان از آنها به‌عنوان نقاط ضعف برنامه کارورزی بدون تجربه نام برد که در شیوه تدریس آنها اثرگذار بوده است.

نکاتی که مطرح شد گویای این واقعیت است که در کنار تمامی نقاط قوت، کمیت نومعملمان فارغ‌التحصیل دانشگاه فرهنگیان در زمینه کسب تجربه‌های مفید و کارآمد برای استفاده در فرایند تدریس لنگ می‌زند و این مسئله‌ای است که باید به طور جد مورد بررسی و توجه قرار گیرد. این در حالی است که آموزش‌وپرورش با وجود اینکه می‌تواند از سال‌ها تجربه و خالی‌بودن اوقات بازنشستگان و معلمان با تجربه بالا بیشترین بهره‌مندی را حتی به صورت مشاوران افتخاری داشته باشد؛ از آنها هیچ‌گونه استفاده‌ای نمی‌کند. استفاده از معلمان باتجربه به صورت خاص در درس کارورزی دانشجوی معلمان علاوه بر اینکه مسبب بهره‌وری از تجربیات ارزشمند در فرایند تدریس خواهد شد؛ از بروز مجدد اشتباهاتی که دیگران مرتکب شده‌اند نیز جلوگیری خواهد کرد و این امکان را به نومعملمان خواهد داد که به تجربیات جدیدی در جهت کیفیت‌بخشی به فرایند یاددهی – یادگیری دست بزنند.

شاید این انتقاد مطرح شود که به‌کارگیری بازنشستگان مطابق قانون نخواهد بود که سخنی است صحیح اما استفاده از تجربیات صرفاً به معنای به‌کارگیری مجدد آنها نخواهد بود و می‌توان تحت اشکالی مانند انتشار کتاب خاطرات، برگزاری کارگاه‌ها، استفاده به‌عنوان مشاور و... از تجربیات آنها بهره‌مند شد.

بنابراین نتیجه را می‌توان این‌گونه نگاشت که به‌کارگیری بازنشستگان فرهنگی در واحد درسی کارورزی (تمرین معلمی) در دانشگاه فرهنگیان از دو حیث مورد توجه خواهد بود: اول اینکه این اقدام امیدی خواهد بود برای معلمان صاحب‌تجربه‌ای که تا به حال هیچ‌گونه بهره‌ای از اندوخته‌های ارزشمند سال‌های متمادی تدریس آنها برده نشده است و تجربه‌ای خواهد بود برای امیدهایی که بناست ۳۰ سال به تربیت نسل در این کشور بپردازند.

تاک

مشارکت کودکان در امور منزل، چالش‌ها و راهبردها

نیلوفر
عابدینی

ازجمله دغدغه‌های مهم والدین امروزی این است که علاوه بر تأمین امنیت و مراقبت از دل‌بندانشان، بتوانند آنها را برای روی پای خود ایستادن در زندگی مستقل آینده‌شان آماده کنند. بنابراین آموزش و ترغیب کودکان به همکاری در کارهای منزل از اوایل کودکی ضروری به نظر می‌رسد. ماجرا برای اغلب والدین ساده پیش نمی‌رود.

خردسالان به دلیل ویژگی‌های رشدی خود از پذیرش مسئولیت‌ها سر باز می‌زنند. ازجمله این ویژگی‌ها ضعف قضاوت (درباره اهمیت کارهای منزل و مشارکت اعضای خانواده)، زودانگیزگی (اصرار به انجام لذت‌بخش‌ترین عمل در لحظه) و خودمحوری (غرق‌بودن در نیازهای خود و ناتوانی در درک نیازهای دیگران) است.

پس از مدتی کشمکش، والدین نیز به دلایلی مثل ترس از آسیب‌رساندن به رابطه خود با کودک یا نگرانی از تحمیل مسئولیت‌های فراتر از توانمندی کودک به او، بار تمام این تکالیف را خود به دوش می‌کشند.

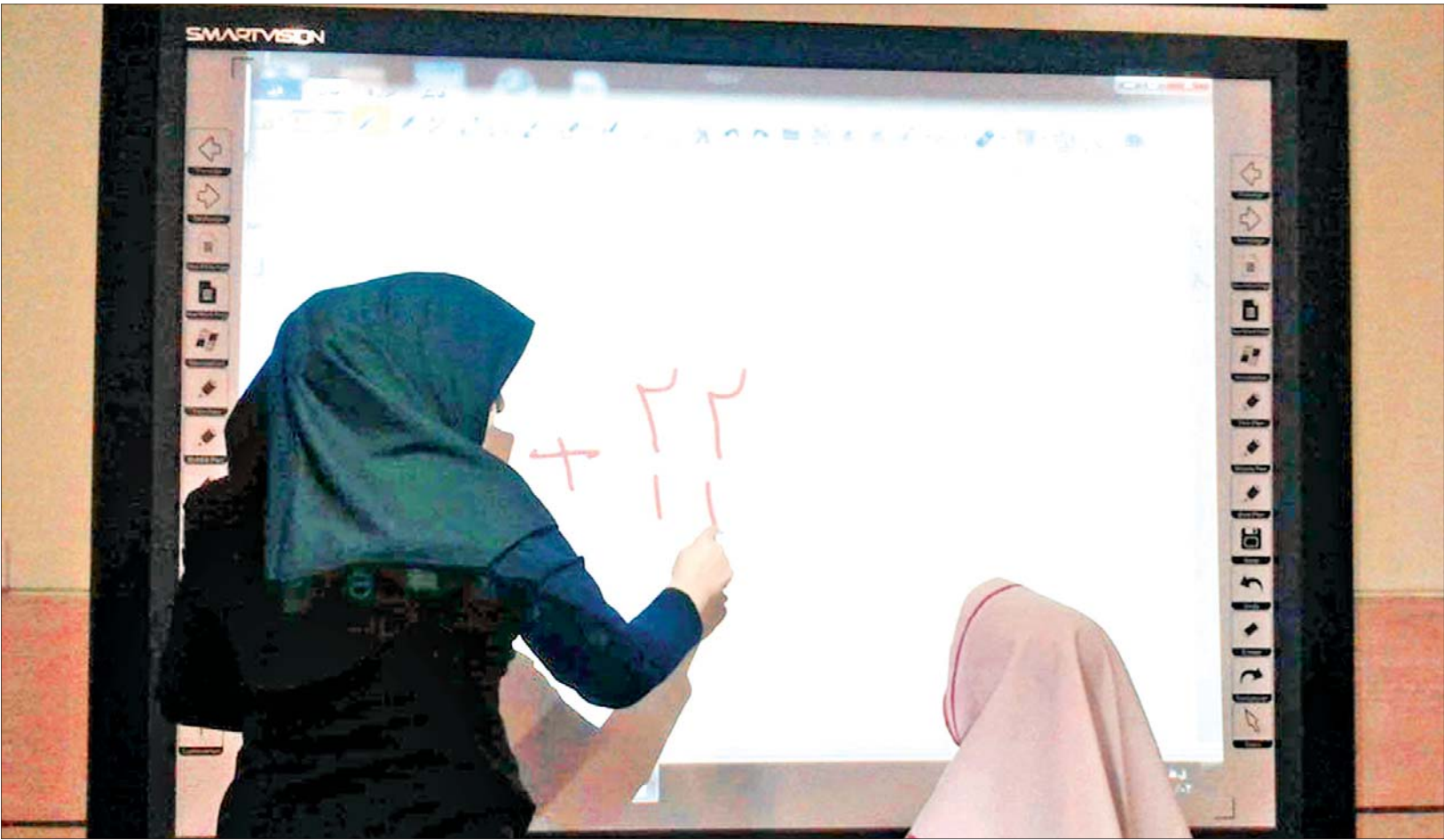
بااین‌حال تحقیقات نشان می‌دهد که مشارکت کودکان خردسال در کارهای منزل اثر مثبت بر عزت‌نفس و مسئولیت‌پذیری آنها داشته، ظرفیت تحمل و مدیریت کودکان هنگام مواجهه با ناکامی‌ها و به‌تعویق‌افتادن لذت‌ها را افزایش داده و عامل پیش‌بینی‌کننده شادی در دهه سوم زندگی آنهاست. تسلیم‌شدن در برابر مقاومت کودکان، افراط در رسیدگی به آنها و نداشتن توقع از آنها برای مشارکت در امور خانه موجب می‌شود در انجام تکالیف ساده زندگی متناسب با هر مرحله از زندگی‌شان ناتوان بمانند.

نکته مهم در این نوع آموزش این است که تکلیف را متناسب با توانمندی کودک انتخاب کنیم. تکالیف مشکل و آسان می‌توانند به‌ترتیب دلسردکننده و کسل‌کننده باشند.

همچنین اگر دقیقاً هم‌زمان با کودک، خودمان نیز بخش دیگری از تکالیف خانه را انجام دهیم و از پیشنهاد و لحن ملایم استفاده کنیم، حس خودمختاری و انگیزه مشارکت کودک را تقویت می‌کنیم. می‌توانیم تکالیف ساده را با حس رقابت (آیا می‌توانیم تمام وسایل را قبل از تمام‌شدن موسیقی جمع کنیم؟) و ایفای نقش روایات یا شخصیت‌های کارتون موردعلاقه کودک حین انجام تکالیف نیز مفید به‌نظر می‌رسند.

بهتر است صرف‌نظر از میزان موفقیت کودک در انجام تکلیف، از تلاش او برای مشارکت با تحسین‌های توصیفی و دقیق و مشوق‌های غیرمادی (مثل امکان انتخاب نوع تفریح خانوادگی) قدردانی کنیم. ارائه پاداش‌های مادی به کودک از انگیزه درونی او برای مشارکت می‌کاهد و تحسین مداوم نیز اثر آن را کم‌رنگ خواهد کرد.

پژوهشگر مؤسسه مطالعات کودکی مدرس



چالش‌های مدارس هوشمند و بی‌توجهی به تولید محتوا

شرکت و مؤسسه فعال در حوزه تولید محتوا داشتیم که بعد از گذشت ۲۰ سال، اکنون نیز تقریباً همین تعداد بوده و اکثر نیمه‌فعال هستند. در این ۲۰ سال صدها شرکت و مؤسسه در این حوزه تأسیس و بعد از دو، سه سال منحل شده‌اند. در نتیجه بسیاری از جوانان تحصیل‌کرده، خلاق و مستعد، برخلاف میل باطنی خود مجبور به مهاجرت به خارج شده‌اند و عده‌ای نیز به صورت راه دور برای کشورها و شرکت‌های خارجی از قبیل «سیلیکون ولی»، قطب فناوری آمریکا، کار می‌کنند، درحالی‌که کشور هند با مدیریت مناسب جریان را طوری رقم زده است که درآمد ملی سرشاری را کسب می‌کند که بیش از درآمد صادرات نفت ماست.

وقتی حرف از هوشمندسازی مدارس می‌شود، بغض‌گلویم را می‌گیرد، زیرا این امر در کشور متولی قدرتمندی ندارد و در سالیان گذشته خسارت زیادی از سوی متولیان کم‌تجربه و کم‌سواد به‌لحاظ مادی و معنوی وارد شده است؛ خسارت مادی به این صورت که درحال‌حاضر عمر اکثر تکنولوژی‌ها کوتاه است، وقتی تکنولوژی وارداتی است و اغلب، محصول تکنولوژی وارداتی به درد ما نمی‌خورد. ما باید محصول را خودمان تولید کنیم. در بحث هوشمندسازی مدارس، بود هوشمند، پروژکتور، رایانه و ... تکنولوژی جدید بوده و صرفاً سخت‌افزار و زیرساخت هستند و ۱۰ درصد از مقوله هوشمندسازی مدارس را تشکیل می‌دهند در ۹۰ درصد کار هوشمندسازی محصول، محتوایی برای آموزش است که می‌توان گفت در مقابل نیاز مدارس کاری انجام نشده است. متأسفانه اندک محصولات تولیدشده نیز از کیفیت کافی برخوردار نیستند و باز جای بسیار تاسف است که به علت عدم آگاهی مدیران مدارس و اکثراً با پول زیاد تعداد زیادی از مدارس به گورستان تجهیزات مستهلک‌شده تبدیل شده‌اند.

دولت و مخصوصاً وزارت آموزش‌وپرورش باید شرکت‌های خصوصی علاقه‌مند و توانا را شناسایی کرده و از آنها کمک بگیرد، چون فناوری اطلاعات (IT) تمرکزپذیر نیست و وزارت آموزش‌وپرورش به‌تنهایی راه به جایی نخواهد برد.

هر دانش‌آموزی ظرفیتی منحصربه‌فرد برای آموزش دارد، ولی معلم در کلاس برای ۳۰ یا ۴۰ نفر تدریس یکسان دارد. تکنولوژی آموزشی نوین به دانش‌آموزان کمک می‌کند آموزش را شخصی‌سازی کرده و استعدادهای بالقوه خود را آشکار کنند.

متأسفانه به علت شرایط دانش‌آموزان ایرانی، به‌جای آموزش دانش و علم وقت خود را صرف بازی‌های غربی می‌کنند، به‌طوری‌که ایرانیان بهترین تست‌های آنها نیز هستند.

دانش‌آموزان چه ضعیف باشند، چه قوی، شخصی‌سازی یادگیری به نفع آنهاست. بزرگ‌ترین نقش تکنولوژی این است که پیچیدگی فرایند شخصی‌سازی یادگیری را مدیریت کند. تکنولوژی همچنین دستورالعمل‌هایی را فراهم می‌کند و با حمایت از یادگیری مستقل، به معلم‌ها امکان می‌دهد که برای آموزش دادن و سایر وظایفشان شخصی‌تر عمل کنند تا حامی دانش‌آموزان در یادگیری و رشد آنها باشند.

وضع کنونی مدارس اصلاً رضایت‌بخش نیست. اکثراً شبیه بنگاه اقتصادی شده‌اند؛ به‌ویژه مدارس غیردولتی، آموزش به اولویت چندم آنها تبدیل شده است. البته گاهی حق هم دارند. سرانه آموزشی مدرسه شاید کفاف پول گاز و برق را هم نمی‌کند؛ قیوضی که باید رایگان باشند تا آموزش‌وپرورش نیز بتواند طبق قانون اساسی آموزش رایگان ارائه کند. از طرفی در کشور ما حقوق معلمان زیر خط فقر است بنابراین، انگیزه‌ای برای به‌روزرکردن خود به‌لحاظ علمی ندارند و حقوق آنها اصلاً با حقوق معلمان کشور همسایه (ترکیه) قابل مقایسه نیست. با این وضعیت چگونه می‌توان از آنها انتظار کارایی و بهره‌وری داشت.

اکثر دبیران به علت دغدغه مالی علاقه‌ای به فراگیری فناوری‌های نوین آموزشی ندارند. در این شرایط نمی‌توان انتظار داشت با سرعت کافی هوشمندسازی مدارس تحقق پیدا کند. از طرفی تکنولوژی نوین آموزشی این امکان را فراهم می‌آورد تا امکانات آموزشی در دورترین نقاط کشور نیز فراهم و به مرور باعث توسعه عدالت آموزشی در کشور شود.

خواسته یا ناخواسته ذائقه و توقعات مصرف‌کننده ایرانی را از لحاظ کمیت و کیفیت محصولات بالا برده است. از طرفی شرکت‌های داخلی سرمایه‌گاهی توان فنی لازم را برای تولید محصول در سطح محصولات خارجی نداشتند، زیرا (درحال‌حاضر) سرمایه لازم برای ساخت یک نرم‌افزار آموزشی قابل رقابت با نوع خارجی در حدود ۲۰۰ میلیون تومان است و این رقم در حوزه بازی‌های رایانه‌ای به حدود یک میلیارد تومان (در مدت ۱۲ الی ۳۰ ماه) می‌رسد. بنابراین بدون حمایت اولیه و جدی دولت، تولید محصولات نرم‌افزاری امکان‌پذیر نبوده و توجیه اقتصادی خود را از دست می‌دهد. با وجود اینکه شرکت‌های خارجی درآمد سرشاری در این حوزه دارند، ولی اگر شرکتی در ایران بخواهد با وام نرخ سود بالا محصولی را تولید کند، کار تولید به نیمه نرسیده، اقساط وام بانک همگی سررسید شده و شرکت مذکور با تحمل ضرروزیان فراوان کار را رها می‌کند. مستندات این حرف از اداره ثبت شرکت‌های داخلی را با تولیدات خارجی از بین برده و

دادند برای مثال ویندوز ۲۰۰ هزارتومانی و فتوشاپ ۵۰۰ هزارتومانی هر یک به مبلغ ۵۰۰ تا تک تومان با مجوز رسمی کپی شوند و اجازه دادند بازی‌های ۵۰ هزارتومانی خارجی فقط با انجام زیرنویس یا ترجمه ۷۰۰ تومان الی دو هزار تومان با مجوز رسمی ارشاد و بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای به‌صورت انبوه و میلیونی تکثیر و توزیع شود. در کشورهای خارجی، سخت‌افزار حدوداً ۲۰ درصد از پول لازم برای تهیه یک کامپیوتر شخصی بوده و ۸۰ درصد از آن پول نرم‌افزار است، درحالی‌که در کشور ما شخصی با یک میلیون تومان سخت‌افزار کامپیوتر تهیه می‌کند و با کمتر از ۱۰ هزار تومان تمام نرم‌افزارهای لازم را کپی می‌کند! کاری که اکنون در همه جای دنیا آن را جزء زشت‌ترین کارها به حساب می‌آورند.

نتیجه این کوتاهی‌ها، مصرف کالای فرهنگی خارجی را به دنبال داشته که این امر علاوه بر ترویج فرهنگ کشورهای غربی در حریم خانوارهای ایرانی، امکان رقابت شرکت‌های داخلی را با تولیدات خارجی از بین برده و

حجت احادی
فعال حوزه تولید محتوای الکترونیکی

عمر صنعت نرم‌افزار و کامپیوترهای خانگی چندان زیاد نیست، ولی با پیشرفت سریع و نمایی که داشته، همه عرصه‌های زندگی بشر را تحت‌تأثیر خود قرار داده است. دولت‌ها نیز مجبورند امکانات و ابزارهای لازم برای آموزش و کنترل آحاد جامعه را فراهم آورند. فضای مجازی بخشی از صنعت نرم‌افزار است که امروزه، هم فرصتی بزرگ و هم تهدیدی بزرگ به‌شمار می‌آید و متأسفانه در کشور ما تاکنون تهدید آن بیشتر خودنمایی کرده است.

تصمیم‌گیری در هر حوزه نیازمند مشاوره با افراد آگاه و باتجربه آن حوزه است که متأسفانه در حوزه نرم‌افزار کوتاهی تقریباً غیرقابل‌جبرانی صورت گرفته است. ۲۰ سال پیش مسئولان رده‌بالای سیاست‌گذار این حوزه اجازه

بیمه ایران؛ آرامش بی پایان

هشتاد و دومین سالروز تاسیس بیمه ایران



بیمه ایران

